



تقدیم به:

معرض پیامبر اعظم (ﷺ)

و ائمه معصومین (علیهم السلام) و حضرت زهرا (علیها السلام)

و تمامی پویندگان معرفت و علم آنان

اسلام و روابط بین الملل

(چارچوب های نظری، موضوعی و تحلیلی)

بر اہتمام: دکتر حسین پوراحمدی

دانشیار دانشگاه شهید بہشتی

با گفتارهایی از (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر اصغر افتخاری - دکتر محمد پزشکی - دکتر حسین پوراحمدی

دکتر محمدحسن خانی - دکتر سید جلال دھقانی فیروزآبادی

دکتر مهدی ذاکریان - دکتر محمد ستوده آرائی - عبدالوہاب فراتی

دکتر یحیی فوزی - دکتر رضا کلہر - دکتر سید احمد موثقی

دکتر منصور میراحمدی



اسلام و روابط بین الملل

به کوشش: دکتر حسین پورا احمدی

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

طرح جلد: گلناز حسامی

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۴۳-۲

ISBN: 978-600-5574-43-2

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، ص.ب. ۱۵۹-۱۴۶۵۵ تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

سرشناسه	: پورا احمدی، حسین، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: اسلام و روابط بین الملل (چارچوب های نظری، موضوعی و تحلیلی) / به اهتمام حسین پورا احمدی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۷۵۶ ص.
شابک	: ۱۲۰۰۰۰ ریال 978-600-5574-43-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: اسلام و روابط بین المللی
شناسه افزوده	: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره	: BP ۲۳۱/۱۷ الف ۵ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ ۴۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۰۰۷۴۰۲

فهرست مطالب

۷ سخن ناشر
۹ پیشگفتار
۱۳ درباره نویسنده‌گان
۲۱ مقدمه
	دکتر حسین پوراحمدی
۶۵ فصل ۱. اسلام و نظریه‌های روابط بین الملل: رویکردی فرانظری
	دکتر سیدجلال دهقانی فیروز آبادی
۱۵۳ فصل ۲. انقلاب اسلامی ایران و روابط بین الملل
	دکتر حسین پوراحمدی
۱۹۹ فصل ۳. گفتمان اسلامی و گفتمان جهانی
	دکتر منصور میراحمدی
۲۵۳ فصل ۴. چارچوب و مبانی روابط دولت اسلامی بانظام بین الملل
	دکتر عبدالوهاب فراتی
۲۸۷ فصل ۵. صلح و امنیت بین الملل؛ رویکردی اسلامی
	دکتر اصغر افتخاری
۳۳۷ فصل ۶. اسلام و توسعه
	دکتر سید احمد موثقی

۶ □ اسلام و روابط بین‌الملل

- فصل ۷. اقتصاد جهانی و همگرایی کشورهای اسلامی ۳۷۱
دکتر حسین پوراحمدی
- فصل ۸. اسلام و نظام فرهنگ جهانی ۴۲۳
محمد پزشکی
- فصل ۹. آموزه‌های اسلامی و حقوق بشر ۴۶۹
دکتر مهدی ذاکریان
- فصل ۱۰. جهان اسلام و سازمان‌های بین‌المللی ۴۹۳
دکتر محمد حسن خانی
- فصل ۱۱. اسلام و سیاست بین‌الملل: بررسی دیدگاه امام خمینی (ره)
در سیاست بین‌الملل ۵۲۳
دکتر یحیی فوزی
- فصل ۱۲. جنبش‌های اسلامی و نظریه پردازی در روابط بین‌الملل ۵۵۳
دکتر محمد ستوده آرانی
- فصل ۱۳. رادیکالیسم (اسلامی) و تروریسم در نظام بین‌المللی ۵۹۳
دکتر رضا کلهر
- فصل ۱۴. جایگاه و نقش اسلامگرایی در تحولات سیاسی خاورمیانه ۶۳۹
دکتر حسین پوراحمدی
- چکیده فصول ۷۲۷

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیه السلام ... مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته است، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در عرصه نظر و عمل به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه. در چارچوب آن معنا می‌یابد زیرا که علم بدون تزکیه پیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد. از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که «ربع قرن» تجربه

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) مورخ

شده و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول تیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران این نهاد است که امید می‌رود بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند، درک کاستی‌ها و اصلاح آنها زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق را نیز فراهم خواهد کرد.

در این راستا، اثر حاضر از مجموعه مطالعاتی «دین و روابط بین‌الملل» تقدیم جامعه علمی کشور می‌شود. لازم به ذکر است که سیاست «موضوع محور نمودن» پژوهش‌های دانشگاه آثار و نتایج مبارکی در پی داشته که از آن جمله می‌توان به غنای موضوعی پژوهش‌های دانشگاه اشاره داشت. در قالب این سیاست، موضوعات با اولویت نخست شناسایی و از منظرهای مختلف علمی به بحث گذارده می‌شوند که حوزه «دین و روابط بین‌الملل» به دلیل کمبود متون تخصصی، نیاز فزاینده جامعه علمی و بویژه عملیاتی کشور، از جمله آنها می‌باشد.

ناشر بسیار خرسند است که اثری که از این مجموعه را در دستور نشر دارد و امیدوار است که بسته مطالعاتی آرایه شده که از حیث تعداد و محتوا در سطح کشور بی‌نظیر است، به همت سایر پژوهشگران تقویت شده و رشد این حوزه مطالعاتی را در آینده نزدیک شاهد باشیم.

معاونت پژوهشی

پیشگفتار

علیرغم جایگاه و اهمیت والای اسلام در تحقق اهداف گوناگون حیات انسانی و پاسخگویی به نیازهای بشر در روابط داخلی و خارجی آنها بویژه با تاکید بر ابعاد ارزشمند و بنیادین توحیدی، تحقق عدالت، صلح و پیشرفت، تاکنون مطالعات جامع دانشگاهی و بنیادین بطور گسترده و کاربردی در خصوص بررسی نگاه اسلام به ابعاد نظری، ساختارها و مولفه‌های گوناگون روابط بین‌الملل صورت نگرفته است. نیاز روزافزون جوانان، دانشگاهیان، نهادها، سازمان‌ها و مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری روابط خارجی، فعالان نظریه‌پردازی و تحلیل اسلامی در جهان و در نهایت موسسات فرهنگی و تبلیغی داخلی و خارجی به شناخت حوزه‌های نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری اسلام در عرصه‌ی روابط بین‌الملل بویژه به موازات گسترش حضور قدرتمندانه و فراگیر ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی اسلام در تحولات سیاست جهانی و موضوعات و چارچوب‌های مطالعاتی روابط بین‌الملل، ضروری است به نظریه‌پردازی و تبیین مبانی و چشم‌اندازهای اسلام در روابط بین‌الملل با تاکید بر کشورهای اسلامی، سیاست بین‌الملل، فرهنگ،

توسعه، اهمیت خاورمیانه و جهانی شدن پرداخته شود. ما در این کتاب تلاش داریم به این ضرورت پاسخ دهیم.

کتاب حاضر با تکیه بر منابع اسلامی تلاش دارد ضمن نقد روابط بین‌الملل از منظر اسلامی نگاه اسلام به روابط بین‌الملل را نیز تبیین نماید. در این کتاب تلاش شده است ابعاد نظری یعنی مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اسلام در نگاه به روابط بین‌الملل مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. همچنین موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امنیتی روابط بین‌الملل نیز از نگاه اسلام مورد مطالعه واقع شده است. بعلاوه ابعاد تحلیلی نگاه اسلامی تمامی سطوح و عرصه‌های مربوط در روابط بین‌الملل را در این کتاب مورد توجه قرار داده است. بدین ترتیب، فصول این کتاب چهار هدف عمده را دنبال می‌کنند: ۱. نقد نظری، موضوعی و تحلیلی روابط بین‌الملل از منظر اسلام؛ ۲. تبیین نگاه نظری، موضوعی و تحلیلی اسلام در روابط بین‌الملل؛ ۳. شناخت علمی نسبت به نقش و جایگاه اسلام و کشورهای اسلامی در روابط بین‌الملل؛ ۴. راهکارهای رفع برخی معضلات ناظر بر تعامل اسلام و کشورهای اسلامی با نظام جهانی.

تهیه این کتاب بیش و پیش از همه مدیون الطاف الهی است: او را سپاسگزاریم که ما را یاری رساند و این کتاب خالصانه و با قلبی مملو از امید تقدیم درگاه ربوبی او، پیامبر عظیم‌الشان اسلام و ائمه معصومین (علیهم‌السلام). با مدد و توفیق خداوند سبحان و در پی پیشنهاد اولیه نگارش کتاب حاضر از سوی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و سپس تهیه طرح اولیه پژوهشی کتاب و نیز قبول مسئولیت دبیری و ویراستاری آن توسط نگارنده آنگاه از جمعی از همکاران و اساتید دانشگاهی برای نگارش فصول مربوط دعوت بعمل آمد و با قبول و انجام آن، کتاب "اسلام و روابط بین‌الملل: چارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی" به رشته نگارش درآمد. بنابراین

کتاب حاضر که حاصل یک همکاری علمی و پژوهشی جمعی برخی اساتید روابط بین‌الملل دانشگاه‌های کشور می‌باشد با بهره‌گیری از شناخت لازم از متون و آموزه‌های اسلامی و هم‌علم روابط بین‌الملل به تبیین و توضیح چارچوب و رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل پرداخته و از منظر اسلامی نقد مبانی، روندها و کارکردهای گوناگون روابط بین‌الملل را نیز مورد توجه قرار است.

مشارکت جمعی اساتید و همکاران دانشگاهی در نگارش این کتاب ناظر بر رعایت اصل امانت داری و احترام به نظرات و دیدگاه‌های تحلیلی آنان در مطالب ارائه شده هر یک از فصول می‌باشد. بدین ترتیب، علیرغم این‌که نگارنده مسئولیت دبیری و ویراستاری کتاب را به عهده داشته‌ام این وظیفه را محدود به پیشنهاد برخی اصلاحات و تغییرات احتمالی، انجام برخی ویرایش‌های بعضاً ضروری و نهایتاً توصیه خاضعانه برخی موارد ارتقاء اندک متن هر یک از فصول در راستای دستیابی به اهداف تعریف شده در طرح اولیه پژوهشی و کتاب حاضر نموده‌ام. یعنی، با احترام کامل به نظرات و مکتوبات هر یک از نویسندگان محترم تمامی مسئولیت‌های آن به عهده خود ایشان واگذار شده است. بنابر این از همکاری بی‌دریغ عزیزان (به ترتیب حروف الفبا) دکتر اصغر افتخاری از دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، دکتر محمد پزشکی از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (قم)، دکتر محمد حسن خانی از دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی از دانشگاه علامه طباطبائی، دکتر مهدی ذاکریان از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر محمد ستوده از دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام) قم، دکتر عبدالوهاب فراتی از پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (قم)، دکتر یحیی فوزی از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دکتر رضا کلهر از دانشگاه امام

حسین (علیه‌السلام)، دکتر احمد موثقی از دانشگاه تهران و دکتر منصور میراحمدی از دانشگاه شهید بهشتی سپاسگذارم.

همچنین از همکاری ویژه و بی‌دریغ برادر ارجمندم جناب آقای دکتر اصغر افتخاری بعنوان معاون محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در پیشنهاد اولیه تدوین این کتاب، تصویب طرح پژوهشی و نهایتاً حمایت و پشتیبانی معنوی و مادی از انجام این کتاب صمیمانه متشکرم. از سایر عزیزانی نیز که ما را به طرق گوناگون در تدوین کتاب حاضر یاری رساندند تقدیر و سپاس خود را اعلام می‌دارم.

همسر گرانقدر و فرزندان عزیزم با آرامش و همراهی معنوی مرا در انجام این کتاب یار و یاور بودند. بابت تمامی زحمات آنان متشکرم.

دکتر حسین پوراحمدی

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

تهران زمستان ۱۳۸۸

درباره نویسنده‌گان

دکتر اصغر افتخاری متولد ۱۳۴۷ می‌باشد که دکترای تخصصی خود را در رشته علوم سیاسی به سال ۱۳۸۲ از دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) دریافت داشته است. او عضو هیات علمی و معاون پژوهشی همین دانشگاه بوده و تاکنون ۲۲ عنوان کتاب و بیش از ۱۲۰ عنوان مقاله در نشریات تخصصی چاپ و منتشر نموده است. حوزه پژوهشی او «مطالعات امنیتی»، «جامعه‌شناسی سیاسی» و «اندیشه‌های اسلامی» می‌باشد. از جمله مهمترین آثار او می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: رویکرد دینی در ته‌اجم فرهنگی (۱۳۷۷-تالیف)، مصلحت و سیاست: رویکردی اسلامی (۱۳۸۴-تالیف)، کالبد شکافی تهدید (۱۳۸۵-تالیف)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی (۱۳۸۱- ترجمه)، شکوفایی علم در جهان اسلام (۱۳۸۷- ترجمه)، مصلحت و شریعت (۱۳۸۴- ترجمه). شایان ذکر است که افتخاری سردبیر فصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی و عضو تحریریه چند نشریه پژوهشی و تخصصی چون فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، مطالعات راهبردی، راهبرد دفاعی، می‌باشد. آثار آماده نشر به قلم افتخاری که در آینده نزدیک منتشر خواهد شد، عبارتند از: (کتاب) «امنیت اجتماعی در اسلام»، و همچنین (کتاب) «برآورد تهدید».

دکتر محمد پزشکی، متولد ۱۳۴۶ و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دارای مدرک دکتری علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی از دانشگاه آزاد اسلامی تهران (۱۳۸۸) می‌باشد. وی کارشناسی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را از دانشگاه باقرالعلوم (ع) در سال ۱۳۷۳ و کارشناسی ارشد علوم سیاسی را از همان دانشگاه در سال ۱۳۷۷ اخذ نموده است. ایشان همچنین دارای تحصیلات حوزوی در سطح درس خارج فقه و اصول می‌باشند. علاوه بر چندین مقاله چاپ شده و کتاب‌هایی که در دست چاپ دارند، ۹ کتاب بصورت جمعی و ۲ کتاب بصورت فردی توسط ایشان به چاپ رسیده است: "صورتبندی مطالعات زنان در جهان اسلام" (۱۳۸۷)، چيستی فلسفه سیاسی در حوزه تمدن اسلامی، (۱۳۸۳).

دکتر حسین پوراحمدی متولد ۱۳۴۳، پس از این‌که کارشناسی علوم سیاسی را در دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۷ به اتمام رساند، برای ادامه تحصیل ابتدا عازم فرانسه و سپس به کانادا رفت و در آنجا در دانشگاه اتاوا کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل در سال ۱۳۷۳ و در دانشگاه لاول دکتری روابط بین‌الملل گرایش اقتصاد سیاسی بین‌الملل در سال ۱۳۷۸ را دریافت نمود. وی از اردیبهشت ۱۳۷۹ به عضویت هیات علمی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی درآمد و اکنون با رتبه دانشیاری به کار خود ادامه می‌دهد. دکتر حسین پوراحمدی همچنین مشاور ریاست دانشگاه و مدیر کل دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی است. وی عضو هیئت تحریریه چندین مجله علمی - دانشگاهی در حوزه امور بین‌الملل از جمله: ۱. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۲. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۳. مجله سیاست خارجی و ۴. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی می‌باشد. حوزه‌های علمی و پژوهشی فعال و مورد علاقه او شامل: اقتصاد سیاسی بین‌الملل؛ مباحث و مدل‌های توسعه، اقتصاد سیاسی نفت، نظام اقتصاد سیاسی

جهانی، بازارهای پولی و مالی جهانی، تجارت جهانی: تئوری‌ها و ساختار دولت؛ سیاست خارجی و نظام بین‌الملل؛ قدرت‌های بزرگ، آمریکا و اتحادیه اروپا؛ مباحث سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای؛ خلیج فارس، اروپا، آسیای شرق و جنوب شرق، آمریکا می‌باشد. ایشان تاکنون ده عنوان کتاب تالیف و ترجمه و بیش از ۳۰ عنوان مقاله به چاپ رسانده است. "گفتمان اصلاحات در ایران" (۱۳۸۱ و ۱۳۸۵) بصورت مشترک، "انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرآیند جهانی شدن: تقابل، همسویی یا تعامل" (۱۳۸۶)، "اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تغییرات قدرت آمریکا: از چند جانبه‌گرایی هژمونیک تا یکجانبه‌گرایی افول" (۱۳۸۶)، "اقتصاد سیاسی تحولات نوین خاورمیانه" (۱۳۸۸)، "دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی ایران" (با همکاری دیگران ۱۳۸۸)، "قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" (۱۳۸۸)، از مهمترین عناوین کتب تالیفی نامبرده می‌باشد و "اقتصاد سیاسی بین‌الملل و جهانی شدن" (۱۳۸۴)، "اقتصاد سیاسی جهانی: رویکردهای معاصر" (۱۳۸۶) بصورت مشترک و "توسعه و روابط بین‌الملل" (۱۳۸۷) را نیز ترجمه و به چاپ رسانده است.

دکتر محمدحسن خانی عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) است. وی دکترای تخصصی خود را در رشته روابط بین‌الملل از دپارتمان مطالعات صلح دانشگاه برادفورد انگلستان اخذ نموده است. از وی آثار متعددی در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به چاپ رسیده است. کتاب‌های ژاپن و خاورمیانه، سازمان‌های بین‌المللی از تئوری تا عمل، و نیز مقالات متعددی در زمینه مسایل ایران، و منطقه‌ای در زمره آثار چاپ شده وی هستند. علاوه بر این مقالات متعددی از وی در خصوص سیاست خارجی ایران، مسایل جهان اسلام، همگرایی منطقه‌ای، بحران‌های خاورمیانه،

و مسایل آسیای مرکزی و قفقاز در سمینارها و کنفرانس‌های بین‌المللی ارایه گردیده است.

دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی متولد ۱۳۴۴ است که دکترای تخصصی روابط بین‌الملل را در سال ۱۳۷۴ از دانشگاه بروکسل دریافت کرد و دو نیمسال نیز به عنوان استاد مدعو در همین دانشگاه به تدریس درس امنیت اروپا پرداخت. او اکنون استاد روابط بین‌الملل و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی است. از ایشان پنج عنوان کتاب و بیش از ۵۰ مقاله در نشریات و مجموعه مقالات تخصصی به چاپ رسیده است. حوزه پژوهش او سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات اروپا است. از جمله مهمترین آثار او عبارتند از: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سمت ۱۳۸۸؛ چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۸؛ تحولات گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه ایران، ۱۳۸۴؛ امنیت بین‌الملل، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸ (ترجمه). شایان ذکر است که دهقانی فیروزآبادی سردبیر فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی و عضو هیأت تحریریه چند نشریه علمی-پژوهشی از جمله دو فصلنامه دانش سیاسی و فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی است. کتاب اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی نیز در آینده از وی منتشر خواهد شد.

دکتر مهدی ذاکریان عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات از سال ۱۳۸۲ و رییس انجمن ایرانی روابط بین‌الملل از سال ۱۳۸۶ تاکنون و نویسنده ۱۰ کتاب و ۶۰ مقاله به پارسی، انگلیسی، عربی و فرانسه است. وی از سال ۱۳۷۸ تا آذر ۱۳۸۷ مدیر گروه اسرائیل‌شناسی مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، رئیس هیأت تحریریه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، همچنین عضو هیأت تحریریه و مشاوران علمی در فصلنامه‌های مطالعات منطقه‌ای و خاورمیانه بود. ایشان هم اکنون عضو هیأت تحریریه فصلنامه فارسی - انگلیسی مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دانشنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات و فصلنامه *Relacions Internationales* دانشگاه کورتابیا و بوینس آیرس و سلسله مقالات خاورمیانه پژوهی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) می‌باشند. وی برای نخستین بار در کشور مدل‌های گوناگون شبیه‌سازی در روابط بین‌الملل را در دانشگاه‌های کشور طراحی و برگزار نموده است. ایشان دبیر علمی همایش اخلاق و روابط بین‌الملل بوده است.

دکتر محمد ستوده متولد ۱۳۴۳ دارای کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه تهران ۱۳۶۷، کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران ۱۳۷۰ و دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران ۱۳۸۰ و عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم می‌باشد. برخی از تالیفات وی عبارتند از: کتاب "تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی ایران" (۱۳۸۵)، مقاله‌های "امام خمینی (ره) و مبانی نظری سیاست خارجی" (۱۳۷۸)، "اهداف تجاوز ۲۰۰۶ اسرائیل به خاک لبنان" (۱۳۸۵)، "جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی" (۱۳۸۷)، "انقلاب اسلامی و روابط بین‌الملل" (۱۳۷۴)، "انقلاب اسلامی و نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل" (۱۳۸۶)، "رابطه ساختار-کارگزار: چارچوبی برای مطالعه تحول سیاست خارجی ایران" ۱۳۸۱.

رضا کلهر متولد ۱۳۳۹ عضو هیأت علمی (سابق) دانشگاه امام حسین (علیه السلام) در حال دفاع از پایان نامه دکتری فلسفه از دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد. وی دارای مدرک کارشناسی الهیات از دانشگاه تهران (۱۳۶۶) و کارشناسی ارشد همان رشته از همان دانشگاه (۱۳۷۰) می‌باشد. علاوه بر بیش از ۴۰ مقاله ایشان دارای برخی کتب انتشار یافته نیز بدین شرح می‌باشد:

"درآمدی بر امنیت انتظامی" (۱۳۸۵)، ترجمه "پلیس در اجتماع" (۱۳۸۳) و ترجمه "دیپلماسی عمومی نوین" (۱۳۸۷) می باشد.

دکتر عبدالوهاب فراتی متولد ۱۳۴۷ و عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (قم) دارای دکتری علوم سیاسی از دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم و تحصیلات حوزوی در سطح درس خارج فقه و اصول می باشد. برخی از کتب منتشر شده ایشان عبارتند از: "اندیشه‌ی سیاسی سید جعفر کشفی"، "میزان الملوک و الطوائف و صراط المستقیم فی سلوک الخلائف (از کشفی: تصحیح واحیا)", "حفه الملوک (دو مجلد از کشفی در باره حکمت نظری و عملی)", "اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)", "تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی"، "انقلاب اسلامی: چالش‌ها و بحران‌ها"، "انقلاب اسلامی و بازتاب آن"، "رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی"، "انقلاب اسلامی ایران"، "رهیافتی نظری بر جنبش‌های اسلامی معاصر" و "مردسالاری دینی". دکتر فراتی دارای چندین مقاله منتشر شده نیز می باشند.

دکتر یحیی فوزی، متولد ۱۳۳۹، دارای مدرک دکتری علوم سیاسی، عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) با رتبه دانشیاری می باشد. حوزه مطالعاتی وی ایران، اسلام و اندیشه سیاسی است. دکتر یحیی فوزی دارای ۱۲ مقاله علمی پژوهشی و تعداد زیادی از مقالات دیگر چاپ شده می باشد. وی تاکنون ۱۰ عنوان کتاب نیز به چاپ رسانده که برخی از آنها عبارتند از: "تحولات سیاسی اجتماعی ایران بعد از انقلاب" (۱۳۸۵)، "گفتمان اصلاحات در ایران" (۱۳۸۱ و ۱۳۸۵) بصورت مشترک، "مذهب و مدرنیزاسیون در ایران" (۱۳۸۱)، "اندیشه سیاسی بعد از انقلاب در ایران" (۱۳۸۸).

دکتر احمد موثقی عضو هیات علمی و دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دارای کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه علامه

طباطبایی ۱۳۵۸، کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۶۶ و دکتری علوم سیاسی از دانشگاه سیدنی استرالیا ۱۳۷۴ می باشد. علاوه بر کتب در دست چاپ و تعداد زیادی کتب ترجمه و به چاپ رسیده دارای مقالات فراوان علمی نیز می باشند. همچنین، برخی کتب تالیفی منتشر شده ایشان عبارتند از: "اقتصاد سیاسی توسعه و توسعه نیافتگی" (۱۳۸۷)، "نوسازی و اصلاحات در ایران" (۱۳۸۶)، "مذهب، جامعه و دولت در ایران" (۱۳۸۶)، "جنبش‌های اسلامی معاصر" (۱۳۷۳)، "اندیشه سیاسی سید جمال الدین (افغانی)" ۱۳۷۲.

دکتر منصور میر احمدی متولد ۱۳۴۷ دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه تهران علاوه بر گذراندن دروس حوزوی و طی درس خارج فقه و اصول، دارای دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تهران (۱۳۷۸)، کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه باقر العلوم (عجلایه) ۱۳۷۵ و کارشناسی همان رشته از همان دانشگاه در سال ۱۳۶۳ می باشد. حوزه مطالعاتی وی اندیشه سیاسی و به طور خاص اندیشه سیاسی اسلام است. برخی از کتب منتشر شده ایشان عبارتند از: "آزادی در فلسفه سیاسی اسلام" (۱۳۸۲)، "اسلام و دموکراسی مشورتی" (۱۳۸۴)، "سکولاریسم اسلامی، نقدی بر دیدگاه روشنفکران مسلمان" (۱۳۸۷)، "نظریه مردم سالاری دینی، مفهوم، مبانی والگویی نظام سیاسی" (۱۳۸۸). ایشان علاوه بر تدوین چندین کتاب بصورت گروهی دارای بیش از ۲۰ مقاله از قبیل: "مبانی کلامی فقه سیاسی"، "اجتهاد و مسأله مردم سالاری در ایران معاصر"، "مقایسه ویژگی‌های معرفت شناختی جریان‌های فکری در جهان اسلام"، "نظریه انتقادی نو"، "نظم مشورتی والگویی مردم سالاری دینی"، "زبان، عمل و اجتهاد در فقه سیاسی" نیز می باشد.

مقدمه

دکتر حسین پوراحمدی^۱

Introduction

الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه... کلمه الله هی العلیا و کلمه الشیطان هی السفلی... (قرآن کریم)

دین مبین اسلام بعنوان کامل ترین و آخرین دین الهی که در برگیرنده باورها، تعالیم و دستورات حیات دنیوی و اخروی تمامی انسانها و در تمامی دورانهای تاریخ زندگی بشر می باشد از سوی خداوند حکیم و بوسیله پیامبر و فرستاده اش حضرت محمد (ﷺ) و قرآن کریم برای مردم نازل شده است و سپس توسط ائمه معصومین (علیهم السلام) به پیش برده شده است. اسلام برای تمامی ابعاد زندگی مادی و معنوی انسان در سطوح گوناگون فردی و اجتماعی، ملی و بین المللی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و دیگر نیازهای او دستورات لازم و مبانی رفتاری دقیق و کاملی را ارائه کرده است. کسانی که دین اسلام را فقط مربوط به مسایل شخصی و معنوی انسان تلقی می کنند همانقدر به خطا رفته اند که آنان که از دین اسلام تنها بعنوان یک چارچوب سیاسی و راهی برای مبارزه در برابر استکبار یاد می کنند.

۱. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

با وجود برخی مطالعات نظری، موضوعی و تحلیلی اما پراکنده در برخی حوزه‌های اسلام و ارتباط آن با روابط بین‌الملل، نیازهای ملی و جهانی به شناخت دیدگاه‌ها و ابزارهای ارائه شده اسلامی در تعامل با روابط بین‌الملل و سیاست جهانی همچنان پابرجاست و پژوهش حاضر تلاش دارد قدم هر چند اندکی در این زمینه بردارد. بعلاوه این‌که، بسیاری از دروس علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاهی نیازمند منابع مکتوب بمنظور آشنایی و بحث در خصوص روند رو به گسترش اسلام، دیدگاه‌های اسلامی و کشورهای مسلمان در روابط بین‌الملل می‌باشند.

بدین ترتیب، علیرغم جایگاه و اهمیت والای اسلام در تحقق اهداف حیات انسانی و پاسخگویی به نیازهای بشر در روابط داخلی و خارجی آنها بویژه با تاکید بر ابعاد ارزشمند و بنیادین جهانی اسلام در تحقق عدالت، صلح و پیشرفت، تاکنون مطالعات جامع دانشگاهی و بنیادین بطور گسترده و کاربردی در خصوص بررسی نگاه اسلام به ابعاد، ساختارها و مولفه‌های گوناگون روابط بین‌الملل صورت نگرفته است. نیاز روزافزون جوانان، دانشگاهیان، نهادها، سازمان‌ها و مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری روابط خارجی، فعالان نظریه‌پردازی و تحلیل اسلامی در جهان و نهایتاً موسسات فرهنگی و تبلیغی داخلی و خارجی به شناخت حوزه‌های نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری اسلام در عرصه‌ی روابط بین‌الملل بویژه به موازات گسترش قدرتمندانه و فراگیر شدن ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی اسلام در تحولات سیاست جهانی و موضوعات و چارچوب‌های مطالعاتی روابط بین‌الملل، ضروری است به نظریه‌پردازی و تبیین مبانی و چشم‌اندازهای اسلام در روابط بین‌الملل با تاکید بر کشورهای اسلامی، سیاست بین‌الملل، فرهنگ، توسعه، اهمیت خاورمیانه و جهانی شدن پرداخته شود. ما در این کتاب تلاش داریم به این ضرورت پاسخ دهیم.

شاید یکی از دلایل ضعف مسلمانان و کشورهای اسلامی در جهان عدم توجه و تمکین به دین اسلام همزمان در ابعاد فردی، اجتماعی، ملی، بین‌المللی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سایر ابعاد و سطوح کارکرد اسلام بمنظور پیشبرد زندگی شرافتمندانه، صلح و رستگاری دنیا و آخرت آنان باشد. ایمان الهی و اجرای دستورات خداوند در سطوح و عرصه‌های گوناگون زندگی بنابر مبانی دین اسلام تامین کننده سربلندی، رفاه و عزت انسان در دنیا و آخرت است. در این میان، نگاه به موضوعات، ابعاد و عرصه‌های روابط بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای در تعالیم و دستورات الهی اسلام دارد که از یک طرف پاسخگوی نیازها و مسایل گوناگون بشر و از سوی دیگر ارائه دهنده طریق و شیوه صحیح فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی در سطح تعاملات و روابط با دیگر انسان‌ها و کشورها در نظام بین‌الملل می‌باشد. این نگاه و چارچوب نظری، موضوعی و تحلیلی اسلام به روابط بین‌الملل اما و متأسفانه کمتر مورد توجه و مذاقه حتی از سوی مسلمانان و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است و ما در این کتاب در پی پرداختن به آن می‌باشیم.

کتاب حاضر با تکیه بر منابع اسلامی تلاش دارد نگاه اسلام به روابط بین‌الملل را تبیین نماید. در این کتاب تلاش شده است ابعاد نظری یعنی مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اسلام در نگاه به روابط بین‌الملل مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. همچنین موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امنیتی روابط بین‌الملل نیز از نگاه اسلام مورد مطالعه واقع شده است. بعلاوه ابعاد تحلیلی نگاه اسلامی تمامی سطوح و عرصه‌های مربوط در روابط بین‌الملل را در این کتاب مورد توجه قرار داده است. بنابراین کتاب حاضر که حاصل یک همکاری علمی و پژوهشی جمعی از اساتید روابط بین‌الملل دانشگاه‌های کشور می‌باشد با بهره‌گیری از شناخت لازم از متون و آموزه‌های اسلامی و هم‌علم روابط بین‌الملل به تبیین و توضیح

چارچوب و رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل پرداخته است. در این کتاب همچنین از منظر اسلامی به نقد مبانی، روندها و کارکردهای گوناگون روابط بین‌الملل توجه شده است.

با مدد و توفیق خداوند سبحان و در پی پیشنهاد اولیه نگارش کتاب حاضر از سوی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و سپس تهیه طرح اولیه پژوهشی کتاب و نیز قبول مسئولیت دبیری و ویراستاری آن توسط نگارنده آنگاه از جمعی از همکاران و اساتید دانشگاهی برای نگارش فصول مربوط دعوت بعمل آمد و با قبول و انجام آن، کتاب "اسلام و روابط بین‌الملل: چارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی" به رشته نگارش درآمد. فصول این کتاب چهار هدف عمده را دنبال می‌کنند: ۱. نقد نظری، موضوعی و تحلیلی روابط بین‌الملل از منظر اسلام؛ ۲. تبیین نگاه نظری، موضوعی و تحلیلی اسلام در روابط بین‌الملل؛ ۳. شناخت علمی نسبت به نقش و جایگاه اسلام و کشورهای اسلامی در روابط بین‌الملل؛ ۴. راهکارهای رفع برخی معضلات ناظر بر تعامل اسلام و کشورهای اسلامی با نظام جهانی.

پرسش‌های آغازین این کتاب که ما را در پیشبرد اهداف پژوهشی فوق هدایت کرده‌اند عبارتند از: مبانی و چشم اندازهای اسلام نسبت به روابط بین‌الملل کدامند؟ چگونه می‌توان به نظریه پردازی و سیاست‌گذاری اسلامی در روابط بین‌الملل دست یافت؟ اسلام چه جایگاهی در روابط بین‌الملل دارد؟ حوزه‌های گوناگون (نظری، موضوعی و تحلیلی) روابط بین‌الملل چگونه می‌توانند در تعامل با اسلام و کشورهای اسلامی تعریف شوند؟ این پرسش‌ها در چارچوب سؤال‌های اساسی تحقیق بدین صورت طرح شده‌اند: مبانی نظری اسلام در تئوری‌های روابط بین‌الملل خصوصاً در حوزه‌های معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی چگونه حضور و ورود می‌یابند؟ اسلام و انقلاب اسلامی در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی

(صلح) چه مدل‌ها و راهکارهایی در روابط بین‌الملل ارائه می‌کنند؟ اسلام و کشورهای اسلامی چه جایگاه و نقشی در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی دارند؟ این جایگاه چگونه ارتقاء می‌یابد؟ نظام سیاسی دولت و روابط بین‌الملل اسلامی چگونه مشروعیت، جامعه مدنی، کارآمدی، همگرایی (اقتصادی و سیاسی) و توسعه را تعریف می‌کنند و آنها را ارتقاء می‌بخشند؟ اندیشه، فرهنگ، تمدن، اقتصاد و قدرت کشورهای اسلامی در نظام جهانی از چه جایگاهی برخوردار است؟

در پاسخ اولیه (فرضیه) به سئوالات مطروحه فوق: اسلام ضمن نقد و عدم پذیرش بسیاری از مبانی نظری و ساختارهای موجود سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی روابط بین‌الملل و ارائه الگوی متمایز اسلامی در این راستا، گسترش همکاری‌های جمعی کشورهای اسلامی با سایر بازیگران نظام بین‌الملل در جهت پیشبرد منافع و اهداف بشریت و بویژه توسعه عدالت بر اساس ضرورت درک متقابل از باورها و منافع یکدیگر را دنبال می‌کند. اسلام ضمن توجه به ضرورت‌های حیات دنیوی به نیازهای معنوی و اخلاقی در نظام جهانی نیز توجه ویژه دارد.

در اینجا به شرح مختصری از مطالب هر یک از فصول اشاره می‌کنیم. فصل اول که توسط دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی استاد دانشگاه علامه طباطبایی و با عنوان "اسلام و نظریه‌های روابط بین‌الملل: رویکردی فرانظری" به نگارش درآمد است، با طرح این سؤال که چه نسبتی بین اسلام و نظریه‌های روابط بین‌الملل وجود دارد؟ به تجزیه و تحلیل دیدگاه و رویکرد اسلام به عنوان یک دین جهانشمول به نظریه‌های روابط بین‌الملل را دنبال می‌پردازد. در این فصل بررسی نظریه‌های روابط بین‌الملل از منظر اسلام در دو بخش صورت گرفته است. در بخش نخست، مبانی فرانظری رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل تبیین شده است. این مبانی فرانظری شامل مباحث

هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اسلامی می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از این بخش: رویکرد اسلامی روابط بین‌الملل، رهیافتی مبنی‌گراست. یعنی بر این باور است که کلیه دعاوی حقیقت می‌تواند صادق یا کاذب باشند و صدق و کذب آنها را می‌توان براساس معیار شناختی مورد سنجش قرار داد. حقیقت به معنای مطابق با واقع بودن ادراکات بدیهی است، به گونه‌ای که همه معلومات بشر نمی‌تواند صد در صد و کاملاً خطا و کاذب باشد. حقیقت دائمی است و براساس شرایط مختلف زمانی و مکانی تغییر نمی‌کند. از این رو، این رویکرد، نسبی بودن حقیقت را رد کرده و آن را مطلق می‌داند. به طوری که دو ادراک، معرفت یا گزاره نمی‌توانند هر دو صادق و حقیقت باشند. اجماع معرفتی به معنای توافق مردم یک زمان یا جامعه علمی بر صادق بودن یک شناخت موجب حقیقت یافتن آن نمی‌شود. برخلاف اهل سنت که اجماع علما را فی نفسه دال بر حقیقت می‌دانند، اهل تشیع حکم خداوند را یکی می‌داند و اجماع در صورتی که کاشف از آن باشد و به معصوم (علیه السلام) ختم شود حجت است. پس اجماع می‌تواند کاشف از حقیقت باشد نه موجد آن.

تفکر اسلامی یک فرا روایت است که در صدد توضیح و تبیین تکامل اجتماعی بشر و تاریخ براساس یک نظریه کلان می‌باشد. معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اسلامی عقل‌گراست، به طوری که هم عقل را یک منبع شناخت و هم یک روش استنباط احکام شرعی در کلیه حوزه‌ها از جمله روابط بین‌الملل می‌داند. نص‌گرایی و نقل‌گرایی به معنای اعتقاد به حجیت کتاب و سنت به عنوان منابع شناخت نیز یکی دیگر از ویژگی‌های معرفت‌شناسی اسلامی است. معارف تنها در معرفت علمی و علوم تنها در علم تجربی و اثباتی محدود و منحصر نمی‌شود. بلکه علاوه بر معرفت حسی و علم تجربی، معارف دیگری چون معرفت عرفانی، فلسفی و علم لدنی نیز

حقیقت دارند که از ابزارهای غیر حسی و غیرتجربی استفاده می‌کنند. معیار حقیقت و روش سنجش صدق و کذب معرفت و گزاره‌های شناختی، آزمون و آزمایش تجربی نیست، بلکه معیار حقیقت، شناخت خود معیار و بدیهی است. عقلانیت صرفاً به عقلانیت ابزاری محدود نمی‌شود بلکه علاوه بر عقل معاش، عقل معاد نیز وجود دارد که راهنمای عمل انسان قرار می‌گیرد. امکان معرفت عینی از راه ارتباط مستقیم انسان با جهان بیرونی وجود دارد. البته این امر به معنای تفکیک دانش و ارزش نیست، زیرا بین این دو تعامل وجود دارد. به لحاظ ماهوی تفاوتی بین جامعه داخلی و خارجی و سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل وجود ندارد. چون هر دو حوزه عرصه تقابل حق و باطل و خیر و شر است که نهایتاً به پیروزی حق می‌انجامد. از اینرو، روش واحدی برای مطالعه هر دو حوزه می‌توان به کار برد. گرچه معرفت‌شناسی اسلامی به ساخت اجتماعی معرفت باور ندارد، اما با توجه به باز بودن باب اجتهاد و نقش مقتضیات زمان و مکان در آن امکان تغییر و تحول در شیوه تفکر و روش شناخت در شرایط متحول زمانی و مکانی وجود دارد. این تحول به ویژه در حوزه‌هایی که حکم شرعی چهارگانه واجب، مستحب، حرام و مکروه وجود ندارد و منطقه الفراغ نامیده می‌شود امکانپذیر است. هیچ چیز در عالم هستی اعم از طبیعی و اجتماعی و از جمله روابط بین‌الملل اتفاقی و تصادفی نیست. از اینرو، امکان شناخت و تبیین آن وجود دارد.

دومین بخش این فصل به نسبت سنجی اسلام و نظریه‌های روابط بین‌الملل می‌پردازد. از اینرو، اول، اصول و ویژگی‌های دانش نظری روابط بین‌الملل توضیح داده شده است. سپس، مهمترین نظریه‌های روابط بین‌الملل از منظر اسلام بررسی می‌شود تا میزان انطباق و سازگاری هر یک از آنها با رویکرد اسلامی روابط بین‌الملل روشن گردد. بر اساس نتایج حاصل از این بخش: نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، یک فرا روایت یا نظریه کلان است که

در صدد تبیین و تدوین قواعد و قوانین عام و کلی حاکم بر روابط بین‌الملل می‌باشد. از اینرو، این نظریه ماهیتی تبیینی، هنجاری، تجویزی و انتقادی دارد. نظریه اسلامی روابط بین‌الملل تبیینی است چون به تبیین «هست» پدیده‌های بین‌المللی آن گونه که مشاهده می‌شوند می‌پردازد. البته تبیینی بودن نظریه اسلامی روابط بین‌الملل بر خلاف نظریه‌های تبیینی جریان اصلی، به معنای حفظ وضع موجود نیست بلکه توضیح و تبیین وضع و نظم موجود می‌باشد. به ویژه کشف و تبیین قوانین عام و کلی حاکم بر روابط بین‌الملل به عنوان یک واقعیت اجتماعی یکی از اهداف و کارکردهای این نظریه است. نظریه اسلامی روابط بین‌الملل از آنجا که به نظم، نظام و روابط بین‌الملل مطلوب قائل است هنجاری می‌باشد. به گونه ای که در چارچوب این نظریه، امکان شکل‌گیری یک جامعه اخلاقی جهانی واحد براساس ارزش‌ها، منافع و نهادهای مشترک بشری تحت حاکمیت واحد اسلامی وجود دارد. نظم بین‌المللی مطلوب اسلامی غیر سکولار، اخلاقی و عادلانه است که تعالی و سعادت کل بشریت را تأمین می‌کند. ارزش‌های زیر بنایی نظم و نظام بین‌الملل اسلامی نیز اعتباری و قراردادی نیستند، بلکه از آنجا که از فطرت انسانی نشأت می‌گیرند، واقعی و قابل کشف و تبیین می‌باشند.

بدین ترتیب، موضوع مطالعه نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، معیار داوری اخلاقی در سیاست جهانی و جستجوی اصول مشترک برای در برگیری فراگیر انسان‌ها و بازسازی اجتماعی در زاویه بین‌المللی است. هدف این نظریه، فراتر رفتن از درک و فهم روابط بین‌الملل به عنوان یک شیوه زندگی از طریق توضیح و تبیین دلایل تعهد و مسئولیت در رویه بین‌المللی است که نمی‌توان به منفعت شخصی (ملی) صرف نسبت داد. از اینرو، نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، مشروعیت مناسبات بین کشورها و روابط بین‌الملل و توجیه‌پذیری اخلاقی بنیادها و مبانی آن را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد. اما فراتر از

این، این نظریه در صدد برقراری نظم بین‌المللی عادلانه از طریق ایجاد روح مسئولیت انسانی بیشتر بین انسان‌ها و جوامع انسانی است. این هدف مستلزم و متضمن تغییر و تحول کارگزار محور و مبتنی بر اراده و خواست انسانی در روابط بین‌الملل است. بر این اساس، نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، الزاماً انتقادی نیز می‌باشد. چون، اولاً، تغییر وضع و نظم موجود بین‌المللی را امکانپذیر می‌داند. ثانیاً، فراتر رفتن از وضع و نظم مستقر بین‌المللی برای استقرار نظم مطلوب را ضروری می‌پندارد. از اینرو، به نقد ایدئولوژیک وضع و نظم موجود بین‌المللی برای دستیابی به وضع و نظم مطلوب می‌پردازد. تامین این هدف نیز مستلزم تامل در چرایی و چگونگی شرایط نامطلوب روابط و نظام بین‌الملل موجود است. تامل و تعمق در ساختارهای سلطه و سرکوبی که در اثر انحرافات و اشتباهات انسانی شکل گرفته و انسان‌ها و جوامع انسانی را دچار محدودیت‌ها و قیدو بندهای اجتماعی کرده است. از منظر نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، مهمترین عامل وضعیت و شرایط موجود بین‌المللی، انحراف انسان‌ها و جوامع انسانی از فطرت و سنت الهی و به تبع آن آموزه‌ها و موازین اسلامی به عنوان یک دین فطری می‌باشد.

"انقلاب اسلامی ایران و روابط بین‌الملل" عنوان فصل دوم این کتاب است که توسط دکتر حسین پوراحمدی دانشیار دانشگاه شهید بهشتی ارائه شده است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک حرکت و رویداد عصر حاضر در پی معرفی الگوی گفتمانی متفاوت از تعاملات و چارچوب‌های رفتاری در روابط بین‌الملل شناخته می‌شود. بدین ترتیب، این فصل در ادامه نگاه معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه اسلامی به روابط بین‌الملل که در فصل اول ارائه شد، قرار دارد. بعلاوه، این فصل که تلاش دارد نگاهی تعاملی از منظر اسلامی به نظام جهانی بیفکند در پی پاسخ به این سؤال است که آیا مبانی معرفت‌شناختی و عناصر بنیادین هویتی گفتمان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری

اسلامی منبعث از آن به مثابه مقاومت در برابر جهانی شدن و یا در تعامل با آن پدیدار شده‌اند؟ این فصل به بررسی و مطالعه مؤلفه‌های انقلاب اسلامی در متن جهانی شدن، تأثیر جهانی شدن بر حوزه معرفت‌شناختی انقلاب اسلامی و نهایتاً تهدیدات فراروی جنبه‌های هویتی انقلاب اسلامی می‌پردازد. چگونه انقلاب اسلامی از یک سو از ابزارهای جهانی شدن برای تحقق خود سود جسته اما از سوی دیگر به مثابه مقاومتی علیه آن پدیدار شده است؟

این فصل می‌کوشد رابطه میان "نظام جهانی" و "انقلاب اسلامی ایران" را در یک متن پیچیده، متنوع و پارادوکسیکال مورد مطالعه قرار دهد. انقلاب اسلامی دقیقاً در همان زمان پا گرفت و رشد کرد که نشانه‌های بارزی از جهانی شدن اقتصاد و سیاست در حال هویدا شدن بود. در این فصل می‌خوانیم که انقلاب اسلامی ایران از یک سو از مؤلفه‌های جهانی شدن سود جسته و از دیگر سوی به مثابه مقاومتی در برابر آنچه که جهانی شدن از بالا نام گرفته جلوه‌گر شده است. "ضدیت با غرب" در گفتمان اسلام ناب امام خمینی (ره) با تمامی ظواهر مدرنیته دشمنی نداشت. زیرا با توجه به تأکید ایشان بر مدل حکومتی جمهوری اسلامی و اهمیت نظام جمهوری در گفتمان مدرنیته ضرورتاً این ضدیت مطلق و عام نیست بلکه بیشتر با آن بخش از مدرنیته که غربی شدن زندگی و دشمنی با اسلام ناب را ترویج می‌کند مخالفت داشت. امام خمینی (ره) تردید نداشت که از بین بردن ظاهر تمدن غرب، ایران را در شکل‌دهی به جامعه‌ای ساده و فارغ از هیاهوی غرب‌گرایی نیز کمک خواهد کرد. گفتمان انقلاب اسلامی ایران که حول اندیشه امام خمینی (ره) شکل گرفت اساساً عاری از جنبه سخت‌افزاری قدرت بود. بنیان انقلاب اسلامی که بر قدرت نرم حاصل از جذب قلوب ایرانیان مسلمان و معتقد به حکومت اسلامی و مبارز علیه استبداد و ظلم در پیروی از

بیانات امام خمینی (ره) استوار بود همسویی آن را با اهمیت روزافزون این قدرت در برابر قدرت سخت در فرآیند جهانی شدن یادآور می‌گردد.

بر اساس یافته‌های این فصل، بنیان‌گفتمانی انقلاب اسلامی زمینه ساز مقاومت در برابر گفتمان جهانی شدن بسط و گسترش فرهنگ لیبرال دمکراسی و حذف فرهنگ‌های رقیب و یا تعامل با ابعاد روند چند فرهنگی جهانی است. جهانی شدن سبب ظهور و رشد "گفتمان اسلامی" بعنوان فرهنگ متمایز، مقاومت فرهنگی و تلاش فرهنگ جهانی اسلامی نیز شده است و اساساً نقطه پارادوکسیکال جهانی شدن در همین جاست. گفتمان اسلامی خصوصاً بعد از تحولات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، یکی از چالش‌های اساسی معرفت‌شناسانه را فراروی جمهوری اسلامی ایران بوجود آورده است. در جهانی شدن فرهنگ از یکسو امکان ظهور هویت اسلامی رهائی بخش امری ممکن جلوه گر می‌شود، اما از سوی دیگر تکیه بر هویت اسلامی بعنوان تنها هویت و فرهنگ جهانی غالب و طرد دیگر اشکال هویتی کار آسانی نیست. محدود شدن به عناصر و شاخص‌های ملی نقطه مقابل مبانی معرفت‌شناختی انقلاب اسلامی و تمرکز بر چشم انداز جهانی انقلاب اسلامی زمینه ساز رشد و شکوفایی بیش از پیش آن است.

از نگاه فصل دوم، از آنجایی که شرط بقا و حیات فرهنگ‌ها و همزیستی میان آنان در یک فرهنگ جهانی مقاومت در مقابل فرهنگ و تمدن مهاجم می‌باشد، این مقاومت به هیچ وجه به معنای تنازع طلبی و گسترش زمینه‌های درگیری با فرهنگ‌های دیگر و به ویژه با فرهنگ به ظاهر غالب جهانی نیست، بلکه به معنای تلاش در جهت تبیین ویژگی‌های مثبت فرهنگ و تمدن خودی است و کوشش در این راستا که تنها با تداوم حیات و بقا فرهنگ ملی می‌توان به بهره برداری از دستاوردهای مثبت و مقبول فرهنگ و تمدن جهانی امیدوار بود. در این چارچوب، فرهنگ و تمدن اسلامی که بازیافت حیات خود را به

دنبال تقویت خیزش‌های اسلامی و به ویژه انقلاب اسلامی ایران طی دهه‌های اخیر شاهد بوده است، ضمن تاکید بر ضرورت تکثرگرایی فرهنگی و همزیستی میان تمامی فرهنگ‌ها و تمدن‌های انسانی و تقویت مبانی فرهنگ اجتماعی ملل مسلمان جهت تداوم بقاء مستمر و مثبت این ملل در فرآیند جهانی شدن و پیمودن مسیرهای توسعه اقتصادی و سیاسی، بر هر گونه ایستادگی و مقاومت در مقابل فرهنگ مهاجم لیبرالیسم غربی تاکید دارد.

بعلاوه، تحولات سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای که در سال‌های اخیر در ایران روی داده است بیانگر این واقعیت هستند که فرهنگ ناب اسلامی و انقلاب اسلامی عوامل لازم جهت نوسازی و گسترش مردم‌سالاری را در جوامع اسلامی با خود به همراه دارند. آزاد سازی سیاسی، ایجاد فرصت‌های مناسب و بیشتر برای زنان، پذیرش اصل رقابت آزاد اقتصادی و سرمایه مولد داخلی و خارجی در چرخه تولید و توسعه اقتصادی، توجه به نیازمندی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوانان. تعامل و ارتباط سازنده با فرهنگ غرب و تلاش در جهت تقسیم قدرت و پذیرش آراء عمومی و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نمونه‌های بسیار مهمی هستند که می‌تواند ارائه یک مدل بدیل در برابر لیبرال دموکراسی غربی بعنوان پشتوانه تهاجم فرهنگ لیبرال به جهان اسلام را تقویت کند.

فصل سوم در ادامه رویکرد گفتمانی اسلام به روابط بین‌الملل که در فصل دوم ارائه شده است در پی تبیین و توضیح صورتبندی گفتمان اسلامی در نقد گفتمان است. دکتر منصور میراحمدی دانشیار دانشگاه شهید بهشتی در این فصل با عنوان "گفتمان اسلامی و گفتمان جهانی" با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمانی، تلاش می‌کند دیدگاه اسلام درباره روابط بین‌الملل را تبیین کند. هدف اصلی این فصل، صورتبندی گفتمانی اسلام در باره روابط بین‌الملل است که در نتیجه آن امکان مقایسه با گفتمان جهانی فراهم می‌گردد. بر این

اساس، ابتدا با اشاره به تحلیل گفتمانی روابط بین‌الملل، گفتمان اسلامی روابط بین‌الملل را توضیح داده و سپس با اشاره ای گذرا به گفتمان جهانی روابط بین‌الملل، به تبیین ظرفیت‌ها و انتقادهای گفتمان اسلامی نسبت به گفتمان جهانی می‌پردازد.

از آنجایی که مطالعات اسلامی در حوزه روابط بین‌الملل از قدمت زیادی برخوردار نیست چرخش‌های نظری و روش‌شناختی پدید آمده در مطالعات روابط بین‌الملل در دهه‌های اخیر، فرصت و زمینه مناسبی را برای مطالعات هنجاری و در نتیجه مطالعات اسلامی در روابط بین‌الملل فراهم ساخته است. بنا بر نتایج این فصل، در صورت‌بندی گفتمان اسلامی، مفهوم امت اسلامی به عنوان دال مرکزی، نقش و جایگاه اصلی در آرایش دال‌های شناور این گفتمان را ایفا می‌کند. مفهوم صلح، عدالت، جهاد، دعوت، استقلال، وفای به عهد و پیمان، مصلحت، تعاون و همکاری، حکمیت و داوری، مهمترین دال‌های شناور گفتمان اسلامی روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهند که در این فصل چگونگی معنایابی آنها در ارتباط با مفهوم امت اسلامی توضیح داده شده است. بر همین اساس، در دوران جدید، مفهوم دولت اسلامی نمایندگی مفهوم امت اسلامی را در اختیار دارد. همچنین، در راستای نقد گفتمان جهانی از منظر گفتمان اسلامی، برخورداری از خصلت هنجاری، عقلانیت استعلایی، شمول و فراگیری و عدالت محوری مهمترین ظرفیت‌های نظری و مفهومی این گفتمان را شکل می‌دهند. گفتمان اسلامی بر پایه ظرفیت‌های مذکور، گفتمان جهانی را فاقد خصلت هنجاری، بر کنار از عقلانیت استعلایی، فاقد شمول و فراگیری و بر خلاف محوریت عدالت می‌داند و در صدد نقد گفتمان جهانی بر می‌آید.

آنگاه که در نظریه پردازی روابط بین‌الملل اسلامی در صدد صورت‌بندی گفتمانی هستیم، بی‌تردید، مفهوم "امت اسلامی" فارغ از دوران‌های مختلف،

به عنوان دالّ مرکزی گفتمان اسلامی روابط بین‌الملل، دالّ‌های شناور این گفتمان را معنا دهی می‌کند. در این صورت‌بندی آرایش دالّ‌های شناور این گفتمان بر محور "امت اسلامی" صورت می‌گیرد. اما آنگاه که بر اساس این گفتمان در صدد تعیین واحد سیاسی اسلامی در عرصه نظام بین‌الملل هستیم، در دوران جدید، این واحد سیاسی در قالب "دولت اسلامی" تعیین می‌گردد. از این رو، دولت اسلامی به مثابه واحد سیاسی اسلامی در مناسبات بین‌المللی دولت‌ها از مفهوم امت اسلامی نمایندگی می‌کند. همان‌طوری‌که در دوران قدیم پس از عصر خلافت، از تعدد واحدهای سیاسی اسلامی می‌توان سخن گفت، در دوران جدید نیز دولت‌های اسلامی تعدد واحدهای سیاسی اسلامی را نشان می‌دهند. اما این تعدد آنگاه از وصف "اسلامی" برخوردار است که با جوهر امت اسلامی یعنی ایمان و عقیده اسلامی نسبتی برقرار نماید. در این نسبت‌یابی جایگاه دولت‌های اسلامی در مقایسه با امت اسلامی تعیین می‌گردد و به عبارت دیگر، مفهوم امت اسلامی هویت بخش هر دولت اسلامی تلقی می‌گردد. در نتیجه، در دوران کنونی دولت اسلامی با بهره‌گیری از فرایندهای معنایی دالّ‌های شناور گفتمان اسلامی روابط بین‌الملل، به تنظیم مناسبات بین‌المللی خود با دیگر دولت‌ها پرداخته، روابط بین‌الملل خود را بر اساس آنها شکل می‌دهد.

مباحث این فصل بیانگر این مهم می‌باشند که گفتمان اسلامی از چشم انداز مطلوبی در تعامل با گفتمان جهانی برخوردار است. این ظرفیت‌ها در صورتی که به فعلیت درآید و نظریه پردازی‌های عالمانه‌ای برپایه آنها ارائه گردد، می‌تواند گفتمان اسلامی را به عنوان گفتمان برتر در عرصه گفتمان‌های روابط بین‌الملل نشان دهد. البته نگارنده به هیچ روی ادعا نمی‌کند که چنین سیمایی را از گفتمان اسلامی روابط بین‌الملل در این فصل ارائه نموده است، بلکه خوش بینانه براین باور است که در فضای جدید نظریه پردازی‌های روابط

بین‌الملل، می‌توان به عنوان گفتمانی بدیل، از گفتمان اسلامی سخن گفت و موجبات تقویت آن را فراهم ساخت.

در ادامه فصول گذشته و در راستای تبیین رویکرد نظری اسلام در روابط بین‌الملل دکتر عبدالوهاب فراتی، استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (قم) در فصل چهارم که با عنوان "چارچوب و مبانی روابط دولت اسلامی با نظام بین‌الملل" به نگارش درآمده است به بیان این مطلب می‌پردازد که روابط خارجی دولت اسلامی برخلاف دولت‌های سکولار همواره مقید به ارزش‌ها، اصول و قواعدی است که معمولاً فقه عهده‌دار تبیین آنهاست. از آنجا که اغلب مسلمانان، دولت اسلامی را دولتی جدید و با مختصات ویژه در تاریخ سیاسی جهان می‌انگارند آن‌را نتیجه طرحی و حیانی می‌دانند که باید برای درک آن به منابع مقدس اسلامی یعنی قرآن و سنت مراجعه کرد. این نشان می‌دهد که دولت اسلامی بیش از آن‌که تباری در عصر جاهلی داشته باشد خصیلتی تأسیسی و شرعی دارد و باید در درون مفاهیم دینی، تعریف شود. در گذشته معمولاً فقهاء با تقسیم‌بندی دو گانه عالم به دارالاسلام و دارالحرب به تنظیم علاقات و روابط دولت اسلام با سایر دولت‌ها می‌پرداختند. آنان با مطالعه رویکرد پیامبر (ﷺ) پس از صلح حدیبیه تا رحلت آن بزرگوار، تلاش می‌کردند برخی از اصول حاکم بر رفتار خارجی دولت اسلامی را استنباط و سپس ویژگی‌های قلمرو یا کشور موسوم به «اسلامی» و ویژگی‌های سرزمین «غیر اسلامی» را متمایز و احکام فقهی را در چنین فضاهاى متفاوتی تعریف کنند. تأکید آنها بر تمایزات دارالحرب، لزوماً مستلزم وضعیتی جنگی میان آن دو "دار" متضاد نبود. با این همه، فقهاء جهت تعیین این دو "دار" بر دو ملاک متفاوت یعنی جمعیت (در دارالاسلام) و حکومت (در دارالحرب) تأکید کرده‌اند و این شاید مهم‌ترین منشأ اختلافی باشد که امروزه فقهای فریق اسلامی را رو در روی هم قرار داده است. امروزه اما شاید